

پژوهشی در نمادهای سیاسی و مذهبی سکه‌های سلسله نخست شاهان محلی فارس

امیر امیری‌نژاد*

کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

تاریخ دریافت: (۹۵/۰۳/۰۵) تاریخ پذیرش: (۹۵/۰۵/۱۹)

A Research on the Religious and Political Symbols of Coins From the Early Local Dynasty of Persia's kings

Amir Amirinejad*

M.A. in Archeology at Sistan Baluchestan University

Received: (2016/05/25)

Accepted: (2016/08/09)

Abstract

Studying Iran's history, after Alexander's time period, which was called Hellenism, has no written primary resources. Hence, to reconstruct the history of local governments in this era, especially Pars, local available resources will be used. Without doubt, the most useful and reliable local sources in this era, are the coins minted by the local kings of Persia, that show the Fars state has enjoyed autonomy for a period of time and its wardens were from local governors in that area. This research encompasses the time range between 220 to 140 BC, with a regard to the first set of coins of Persian kings called "Frataraka". This paper has implemented by library and field researches that collected and studied from Persian kings' coins in the museums of Bank-e Sepah, Iran-e Bastan and Tamashagah-e Pool. Obviously, these coins contain certain political and religious symbols that are rooted in its sublime past. Symbols used in Frataraka coins appear in manuscripts and various shapes such as Frataraka banner or flag, Worshiper, Kaaba of Zoroaster etc. The ideology of Persian kings' government over society and implementing its political aims, is hidden behind these symbols and signs. The aim of this research is to investigate these symbols with descriptive and analytical method, with a view to concepts and its relationship with the ideology of the Persian kings to achieve their political and religious goals.

Keywords: Coins, local kings of Persia (Frataraka), religious and political symbols.

چکیده

مطالعه تاریخ ایران در دوران بعد از اسکندر، دورانی که تحت عنوان «هلنیسم» یاد می‌شود، فاقد منابع دست اول مکتوب است، از این رو برای بازسازی تاریخ حکومت‌های محلی این دوره، به‌خصوص فارس، از منابع قابل دسترس محلی استفاده می‌شود؛ بدون شک مفیدترین و قابل استنادترین منابع محلی این دوره سکه‌های ضرب شده از سوی شاهان محلی فارس است که نشان می‌دهد ایالت فارس برای مدتی از استقلال داخلی برخوردار و والیان آن از حکام محلی منطقه بودند. این پژوهش محدوده زمانی ۲۲۰ تا ۱۴۰ ق.م. را، با نگرشی بر سکه‌های گروه نخست از شاهان فارس معروف به فرترکه (Frataraka)، در برمی‌گیرد. مقاله پیش‌رو به صورت میدانی و کتابخانه‌ای انجام گرفته و از سکه‌های شاهان فارس در موزه‌های بانک سپه، ایران باستان و تماشاگه پول جمع‌آوری شده و مورد بررسی قرار گرفته است. ناگفته پیداست این سکه‌ها در برگزیده نمادهای سیاسی و مذهبی خاصی بوده که ریشه در گذشته‌های خود دارد. نمادهای به کار رفته در سکه‌های فرترکه در قالب نوشته‌ها و اشکال مختلفی مانند درفش یا بیرق فرترکه، نیایشگر، کعبه زرتشت و... نمایان می‌شوند. در پس این نمادها و نشانه‌ها، ایدئولوژی حکومت شاهان فارس بر جامعه و اجرای اهداف سیاسی آنها نهان است. هدف از این پژوهش، بررسی این نمادها با روش توصیفی-تحلیلی، از نظر مفاهیم و ارتباط آن با ایدئولوژی شاهان فارس برای رسیدن به اهداف سیاسی و مذهبی‌شان است.

واژه‌های کلیدی: سکه، شاهان محلی فارس (فرترکه)، نمادهای سیاسی و مذهبی.

مقدمه

انجام می‌گیرد؛ به این منظور ابتدا سکه‌های مورد نظر از موزه‌های تماشگاه پول، موزه ملی (ایران باستان) و بانک سپه گردآوری شده و به کمک رهیافت تاریخی-باستان‌شناسی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد تا هدف این پژوهش که بررسی و ارزیابی اندیشه سیاسی و مذهبی شاهان فرترکه است، حاصل شود.

مختصری پیرامون سکه

در آغاز، ارتباط تجاری و داد و ستد مردم، از راه مبادله پایاپای صورت می‌گرفت و این نظام حتی بین مناطق بسیار دور از یکدیگر معمول بوده است. در فصل هفتم و نندیداد در چند قسمت از حق‌القدم پزشک یاد شده (پورداد، ۱۳۵۶: ۲۵۰) که نشان می‌دهد در برخی موارد در دوران هخامنشی وضع دادوستد، پرداخت موجب و مزد کارگران و صنعتگران به صورت جنسی بوده است (کخ، ۱۳۸۵: ۶۱). به مرور زمان مردم باستان برای دادوستد به مقیاس و میزان نیازمند شدند، چیزی که شیوه مبادله پایاپای فاقد آن بود. با آغاز دوران فلزات، سیر تکامل نظام اقتصادی و بازرگانی با سرعت چشمگیری به پیش رفت و دوره استفاده از شمش آغاز شد و ظاهراً چنین برمی‌آید که برای حمل و نقل آسان‌تر شمش‌های فلزی را به قطعات کوچکتر تبدیل کرده‌اند تا ناخواسته زمینه ایجاد سکه فراهم شود (شمس اشراق، ۱۳۶۹: ۹۱). مشکلات وزن کردن زر و سیم در هنگام هر معامله و تشخیص میزان اختلاط آنها به فلزات دیگر، سبب شد که دولت‌ها به ضرب مسکوکات اقدام کنند (امام شوشتری، بی‌تا: ۱). دکتر بیانی، با توجه به پیشینه سکه، به زیبایی در تعریف سکه می‌آورد: سکه عبارت است از یک قطعه فلز به وزن معین که روی آن علامت رسمی دولت یا حکومتی که عیار و وزن آن را تعهد می‌کرده، منقوش شده است (ملک‌زاده بیانی، ۱۳۸۱: ۱۸).

آغاز استفاده از سکه را خاور دور می‌دانند که با مرور زمان، به خاور نزدیک را یافت و از رهگذر گسترش بازرگانی زمینی و دریایی بین دولت شهرهای ایونیه (شرق دریای اژه) و یونان (غرب دریای اژه) گسترش یافت (عبدی، ۱۳۹۱: ۵۰-۵۱). اگرچه عده‌ای از پژوهشگران بر این باورند که

با به قدرت رسیدن سلوکیان در ایران، حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقل نیز در گوشه و کنار این سرزمین روی کار آمدند که تا پایان دوره اشکانی به حیات سیاسی خود ادامه دادند. یکی از مهم‌ترین حکومت‌های نیمه‌مستقل در این برهه زمانی که از خاکستره امپراتوری هخامنشی برآمد، حکومت محلی شاهان فارس بود. این حکومت محلی شامل سه سلسله بود که سلسله نخست آنان فرترکه نام داشت و از چهار پادشاه تشکیل می‌شد. بغداد^۱ نخستین شاه این سلسله بود که در سده سوم قبل از میلاد اقدام به ضرب سکه در وزن‌های چهاردرهمی و درهم کرد. آخرین شاه از این سلسله وادفردات اول^۲ بود.

سکه‌های متنوعی از این حکومت محلی به دست آمده که بررسی نقوش آنها گویای تفکرات مذهبی و سیاسی شاهان فارس، بلاخص فرترکه است. این تفکرات که مبنای ایدئولوژی حکومتی شاهان را تشکیل می‌دهند، از لحاظ انعکاس فرهنگ جامعه فارس بسیار حائز اهمیت هستند. ناگفته پیداست سکه یکی از مهم‌ترین اسناد و مراجع قابل اعتماد از یافته‌های فرهنگی است که به لحاظ گاه‌نگاری مطلق (به دلیل دارا بودن کتیبه، تاریخ ضرب، تصویر شاهان و یافتن توالی شاهان)، به لحاظ هنری، فرهنگی و اعتقادی (با توجه به نقوش حکاکی شده بر روی آن)، از لحاظ اقتصادی (با توجه به جنس و اندازه سکه) و به لحاظ سبک سکه (ارتباطات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای) اطلاعات ارزنده‌ای را در بردارد.

از آنجا که مطالعه در زمینه سکه‌های فرترکه در زیرمجموعه هنر شاهان فارس و گاه به شکل انفرادی و اغلب به صورت معرفی شاهان روی سکه و توصیف ظاهری آنها بوده، در این پژوهش مفاهیم نهفته در نقوش و اشکال رو و پشت سکه که در جهت اهداف سیاسی و مذهبی شاهان فرترکه بوده است، با روش کتابخانه‌ای

۱. بغداد یا بغداد (Baydad / Bgdt)، او در سکه‌ها خود را این چنین می‌خواند: "bgdt prtrk و ZY و LHY و BR bgwrt"

۲. وادفردات اول (wtrprdt / Vadfrdad)، او در سکه‌ها خود را این چنین می‌خواند: "wtrprdt / prtrk' ZY 'LHY' / br"

ناشناخته؛ و گروه چهارم را می‌توان سکه‌های متاخر فارس معرفی کرد. هم‌زمان با کار تحقیقی هیل، ژاک دمرگان کتابی در مورد سکه‌های منطقه خاورمیانه منتشر می‌کند که تعدادی از سکه‌های فارس در این کاتالوگ به چشم می‌خورد (deMorgan, 1923). این روند در بررسی سکه‌شناسی فارس مسکوت ماند تا سال ۱۹۳۷ که کاتالوگ محدودی از سکه‌های فارس منتشر شد (Kraay and Markholm, 1937).

میچینر مجموعه‌ای از سکه‌های فارس را در سال ۱۹۷۸م منتشر کرد (Mitchiner, 1978) که زمینه‌ساز یادداشت‌های معروف روبرت گوبل شد و در سال ۱۹۸۳م به چاپ رسید (Göbl, 1983). دیوید سلوود انگلیسی نیز یاریگر این تحقیقات بود که در سال ۱۹۸۳م در مجموعه تاریخ/ایران کمبریج نوشته‌هایی در مورد سکه‌های فارس عرضه کرد (Sellwood, 1983). دکتر میشل آلرام، استاد دانشگاه وین، در سال ۱۹۸۶م پا را از تحقیقات پژوهشگران پیشین فراتر نهاد و از آن پس بیشتر تحقیقات سکه‌شناسی فارس بر پایه تحقیقات وی انجام می‌شود. آلرام در کتاب جدید خود که حاصل دسته‌بندی دقیق سکه‌های فارس بر مبنای شاخصه‌های هنری بود (Aram, 1986)، طبقه‌بندی جدیدی نسبت به کارهای هیل و دمرگان ارائه می‌دهد. این اقدام زمینه‌ساز تألیف شاهکار ویسهوفر بنام قرون تاریک تاریخ فارس شد. در این کتاب ویسهوفر سعی بر آن دارد تا در این برهه زمانی دیدی تاریخی از این منطقه داشته باشد (Wiesehöfer, 1994). این کتاب در سال ۱۳۸۸ توسط هوشنگ صادقی ترجمه شد (ویسهوفر، ۱۳۸۸). در سال ۲۰۰۸م با مطالعات گسترده‌تر در سکه‌های فارس نظریات جدیدی در این حوزه شکل می‌گیرد، از جمله اولیور هوور بر مبنای تحقیقاتش بغدات را نه اولین فرترکه بلکه سومین فرترکه فارس می‌خواند و معتقد است اردشیر اولین فرترکه بوده است (Hoover, 2008) اما در سال ۲۰۱۰م وستا سرخوش این فرض را مطرح می‌کند که وهبورز و بغدات شاهانی بودند که رقیب هم بوده و سکه‌های سورشازژ شده آنها را دال بر این ادعا می‌داند (Sarkhosh, 2010). از

سکه در دو سرزمین چین و لودیه به طور مستقل ابداع شده و رواج یافته است (Scheidel, 2008: 267-268).

در ایران برای نخستین بار ضرب سکه در حکومت فرمانطقه‌ای هخامنشی آغاز شد. پس از فتح ساردیس در سال ۵۴۷ق.م به دست کورش کبیر و سقط لودیه، ضرب سکه‌های لودیه ادامه یافت (Nimchuk, 2002, 58; Gardner, 1908: 10; امامی، ۱۳۸۹: ۱۴) که تا اوایل پادشاهی داریوش اول این سکه‌ها به همان شیوه سابق ضرب می‌شد (Babelon, 1893: 2). در اواسط فرمانروایی داریوش اول، در حدود سال ۵۰۵ق.م سکه‌های جدیدی توسط امپراتوری هخامنشی ضرب شد که وزن کمتری داشت و از جنس طلا و نقره بود (رضایی باغبیدی، ۱۳۹۱: ۴).

روش‌های ضرب سکه در گذشته به اشکال مختلفی بود. در ابتدا به صورت چکشی یا ضربی به ضرب سکه مبادرت می‌شد. این روش در ایران و بسیاری نقاط جهان رایج بود (عبدی، ۱۳۹۱: ۵۱). روش دیگر قالب‌ریزی بود. در این روش قالب‌ها معمولاً از گچ یا گل رس ساخته می‌شدند و دارای نقش بودند. طراحی نقوش، نوشتار و حکاکی در سکه از کارهای حساسی بود که شخص شاه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر آن نظارت داشت (امینی، ۱۳۸۷: ۲۷).

منبع‌شناسی سکه‌های فرترکه

کشف سکه‌های فارس به حفاری‌های باستان‌شناسی قرن نوزدهم و اوایل سده بیستم باز می‌گردد که طی آن، سکه‌های متنوعی در خوزستان و حومه تخت جمشید و استخر در فارس کشف شد (Rezakhani, 2010: 29-30).

اگرچه نخستین تلاش در دسته‌بندی سکه‌های فارس توسط الوت دلافوی، در سال ۱۹۰۶م انجام گرفت اما اولین کاتالوگ در این زمینه توسط جرج هیل و در سال ۱۹۲۲م منتشر شد (Hill, 1922). هیل سکه‌های فارس را در چهار گروه معرفی می‌کند: گروه نخست را سکه‌های فرترکه می‌نامد که از بغدات تا اوتوفرادات اول ضرب می‌شد؛ گروه دوم را هم‌زمان با تغییر کلمه فرترکه به ملکا تعیین می‌کند؛ گروه سوم سکه‌های مخدوش شاهان

سال ۲۰۱۰م به بعد متأسفانه تحقیق جامعی، مانند آنچه آرام، هور و وستا سرخوش انجام دادند، منتشر نشده و یا نگارنده در مورد آن بی‌اطلاع است.

تاریخ سیاسی فرتکه

بنابر اسناد تاریخی، اسکندر مقدونی در حمله به ایران و تصرف آن، شدیدترین ضربات را بر پیکر فارسین وارد آورد و هرگونه مخالفت و شورش علیه خود را در این منطقه از میان برداشت (پلوتارک، ۱۳۶۹: ۴۵۶-۴۵۷؛ اومستند، ۱۳۷۲: ۷۲۱-۷۲۲؛ ویلکن، ۱۳۷۶: ۱۹۳-۴). اقدامات اسکندر باعث شد جهان آن روزگار عظمت فارس را به وادی فراموشی بسپارد اما مردم فارس هیچ‌گاه پارسه و هخامنشیان را از یاد نبردند. اگرچه زمان دقیق تلاش فارس برای احیاء قدرت خود مشخص نیست، لیکن در روابط سلوکوس و آنتیوخوس اول با فارس اطلاعات تاریخی اندکی در دست است. آنچه می‌توان در این زمینه نگاشت این است که در نتیجه ازدواج سلوکوس با آپامه، دختر اسپیتامنس (Spitamenes)، روابط در این دوره را می‌توان حسنه قلمداد کرد، اما به دلیل نبودن مؤلفه تبار فارسی عامل مشروعیت سلوکوس در میان مردم فارس می‌توانست برای او مشکل ساز باشد. از طرفی عدم توفیق در ایجاد رفاه برای مردم فارس دلیل مهمی بر ستیز و مقاومت فارس در مقابل سلوکوس بود (ویسهوفر، ۱۳۸۸: ۳۷).

پلی‌یانوس در کتاب هفتم نقل می‌کند: حاکم مقدونیه فارس در اندیشه کشتن سه هزار فارسی برآمد. او آنان را به بهانه‌ای، گردهم آورد و با سپاه سیصد سواره و سه هزار پیاده سنگین اسلحه قتل عام کرد. او در ادامه می‌افزاید: وهوبرز سه‌هزار نیروی نظامی یونانی را در میان مردم منطقه فارس پخش کرد و آنان را در میان خانه‌های فارسین جای داد و دستور داد شبانه آنان را قتل عام کنند (ویسهوفر، ۱۳۸۸: ۷۳-۷۴).

در زمان فرمانروایی آنتیوخوس، در سال ۲۲۰ق.م، مولون حاکم ماد، با تأیید برادرش اسکندر حاکم فارس (پرسیس)، علم طغیان برافراشت و تاج بر سر گذاشت. این قیام نشان می‌دهد سلوکیان در سال‌های پیش از ۲۲۰ق.م بر فارس نظارت داشته‌اند. در کتاب دوم مکابیان آمده است

که آنتیوخوس چهارم با سپاهش وارد منطقه فارس شد تا معبد شهر را غارت کند، اما مردم در مقابل او ایستاده و او را مجبور به فرار کردند. اینکه در مدت زمانی بعد مردم فارس به رهبری وادفردات اول و به امید استقلال کامل خود و ندادن باج به شاهان اشکانی به یاری دمتریوس دوم شتافتند تا با اشکانیان وارد جنگ شوند، جای تردید نیست. آنچه هرتسفلد در مورد تاریخ فارس نگاشته، نشان می‌دهد که شاهان فارس در سال ۳۰۰ق.م حکومت فرتکه را بنیان نهاده‌اند. اما هرتسفلد این تاریخ را به قطعیت بیان نمی‌کند، چنان‌که در سال‌های بعد او این تاریخ را تا سال ۱۵۰ق.م متغییر می‌داند. نیوئل با تکیه بر کشف سکه‌های فرتکه توسط هرتسفلد، تاریخ استقلال نسی این شاهان را سال ۲۸۰ق.م می‌داند. او در ادامه می‌افزاید: جانشینان اسکندر بر سر به دست‌گیری قدرت وارد جنگ شدند و فرتکه از فرصت استفاده کرده و در فارس به ضرب سکه پرداختند و توانستند تا قبل از شورش مولون همچنان حاکمیت نیمه‌مستقل خود را حفظ کنند.

هیل پیشنهاد شروع ضرب سکه توسط نخستین فرتکه، یعنی بغداد را ۲۵۰ق.م مطرح می‌کند (Hill, 1967: 397-405). کخ معتقد است بی‌ورد (بغداد) نهضت ملی‌گرایی خویش را در نیمه نخست سده سوم قبل از میلاد انجام داده است (Koch, 1988: 89-95) اما آن را به عنوان استقلال کامل بیان نمی‌کند. دموگان و اشتیل، با تکیه بر سکه‌های به دست آمده از فرتکه‌ها، این تاریخ را ۲۲۰ق.م (Stiehl, 1959: 375-379) و قتل‌عام فارسین را مصادف ظهور بغداد می‌دانند که پس از آنتیوخوس سوم به ضرب سکه پرداخته است.

با نتیجه‌گیری از نظریات مورد بحث، استقلال‌خواهی فرتکه‌ها پیش از ایام سلوکوس اول ممکن نبود چرا که در متون تاریخی پیش از سال ۳۱۲ق.م اسامی حاکمان مقدونی فارس درج شده است. اشمیت معتقد است فارس در سال‌های پس از ۲۲۰ق.م توسط هواداران آنتیوخوس کبیر اداره می‌شده است اما هیچ مدرک جدیدی دال بر این نظریه بیان نمی‌کند (Schmitt, 1964: 50). پس می‌توان نظریات آرام و دموگان را پذیرفت که سالیابی پادشاهان فرتکه را ۲۲۰ق.م بیان کرده‌اند.

حاکمیتی ریشه دارد که در دوره فرترکه ظاهر می‌شود چرا که فرترکه برای مشروعیت خود در منطقه نیازمند چنین ادله بودند و این‌گونه نظام سیاسی مذهبی در قلب فارس نمود یافت و در دوره ساسانی به بلوغ رسید.

شاه نشسته بر تخت با گل لوتوس در دست (لوح ۱)
تخت، جایگاه خدایان و فرمانروایان عظیم و نماد قدرت آنان است (هال، ۱۳۸۰: ۱-۱۲۱). به عبارت دیگر تخت جایگاه صاحب اختیار است و نشانه مرکز روحانی پادشاهی و مرکز استعاری دنیا است.

در پشت سکه‌های نوع نخست بغدات، شاه به حالت نیم‌رخ چپ بر تخت نشسته است که در دست‌هایش یک عصای شاهانه بلند و یک گل احتمالاً گل لوتوس (Alram, 1986: 514) را نگهداشته است. این صحنه در بسیاری جهات یادآور نگارنده تخت جمشید است که شاید شاه آگاهانه در فکر پیوند با الگوهای تخت جمشید و شاهان هخامنشی بوده است، چرا که بر تختی درست مانند تخت داریوش بزرگ در تخت جمشید نشسته و مانند او گلی در دست چپ و چوبی بلند در دست راست (عصای شاهانه) گرفته است.

گل لوتوس یکی از مهم‌ترین نمادهای باستانی در هنرهای آسیا به شمار می‌رود. این گل را سمبل خورشید و چرخه تولد و نوزایی می‌دانند و دلیل آن را باز شدن گلبرگ‌های آن در هنگام سپیده دم و بسته شدن آن به وقت غروب تعبیر می‌کنند (میت فورد، ۱۳۸۸: ۵۶).

در مصر آن را نماد تجدید حیات و تجسم قدرت سلطنتی می‌دانند که با خدای خورشید (رع) در ارتباط بوده و در جای جای مصر باستان این نماد مشهود است. در معبد آمون، در کارناک مصر، ستون‌ها با این گل آراسته شده است (ویو، ۱۳۷۵، ۱۱۷). این نماد در بین‌النهرین به ایشتر اختصاص یافت. او ایزد جنگ، عشق‌بازی و تولید مثل بود (لیک، ۱۳۸۹: ۶۸). با فتوحات ایرانیان باستان این نماد با رویکردی نوین در

اگر بپذیریم این استقلال در این سال رخ داده است که نقوش روی سکه‌ها و نمادهای به کار رفته نیز این مدعا را تأیید می‌کنند، اینکه قتل عام سربازان مزدور توسط وهوبرز، سومین پادشاه فرترکه، انجام شده؛ بار دیگر قابل قبول به نظر می‌رسد. اما برای نظر دوم مبنی بر اینکه استقلال بعد از بغدات حاصل شده، باید گزارش پلی‌یانوس را بار دیگر مورد کنکاش قرار دهیم. او در کتاب هفتم می‌نویسد: وهوبرز سه‌هزار سپاه مسلح سلوکی را رهبری می‌کرد که نشان دهنده آن است که او مستقل نبوده، بلکه در نتیجه قتل عام این مزدوران تلاش کرده تا ضمن انتقام، استقلال خود را اعلام کند. پس این نظریه قابل قبول‌تر است که دو شاه نخست فرترکه، یعنی بغدات و اردشیر، نیمه‌مستقل بودند و در زمان وهوبرز تلاش برای استقلال نتیجه می‌دهد و این استقلال کامل تا پایان حاکمیت وادفردات اول برقرار بوده است. با شروع دوره دوم شاهان فارس در زمان وادفردات دوم، فارس به صورت نیمه‌مستقل زیر نظر حاکمان اشکانی به حیات خود ادامه داد (سلوود، ۱۳۷۳: ۴۰۶). در این زمان حاکمان جدید در فارس قدرت را به دست گرفتند و در روی سکه‌های خود لقب «ملکا» حک نمودند که با سکه‌های دوره پیشین تفاوت اساسی داشت و این شاید بیانگر روی کار آمدن خاندان جدید غیر از فرترکه‌داران باشد (کندی ادی، ۱۳۸۱: ۹۷-۹۸).

نمادهای مذهبی و سیاسی در سکه‌های فرترکه

در بررسی نقوش سکه‌های فرترکه به سختی می‌توان تفاوتی بین دو نقش سیاسی و مذهبی قائل شد، چرا که در نقوش این سکه‌ها می‌توان معانی سیاسی و مذهبی را از نمادهای به کار رفته استخراج کرد. بر این مبنا در این مقاله به سکه‌ها و نقوش آنها به دیدی سیاسی-مذهبی نگریسته می‌شود. مهم‌ترین ادله برای این نوع نگارش آن است که در حاکمیت فرترکه سیاست در پیوند با مذهب بود و نمود بارز آن در دوره ساسانی، از نوادگان فرترکه، جهانی می‌شود و دو بُعد سیاسی و مذهبی در هم تنیده شده و از مهم‌ترین ارکان حاکمیت ساسانیان می‌شود. این نگرش سیاسی در بافت

۱. لوح شماره ۱، تصویر الف آورندگان هدایا به کاخ سارگون دوم (امپراتوری آشور)

که کلاه مخصوص بر سر دارد و یک دست خود را به نشان احترام و نیایش بالا برده و در دست دیگر کمانی دارد که در مقابل سازه مقدس (کعبه زرتشت) است. مشابه این نقش را در گوردخمه‌های قیزقاپان، دکان داود، اسحاق‌وند و در مهرهای هخامنشی می‌توان یافت که شباهت بسیار زیادی با نقش برجسته فرترکه و نقش نیایشگر در سکه‌ها دارند.

در بُعد نمادشناسی و تفسیر آن آمده که کلاه فروگیایی، کلاهی است با گوشه‌های به طرف پایین که در آغاز مغان مزدایی در ایران هخامنشی و ساسانی بر سر داشتند (هال، ۱۳۸۰: ۲۶۳) و نماد سطنت، قدرت، پیروزی و نیل به افتخارات است (همان، ۱۳۳). به عبارت دیگر کلاه سمبل اقتدار، افتخار و فرمانروایی و تزیین کننده بخش عالی انسان یعنی خرد.

کمان (لوح ۳)

کمان صفت خدایان و نمادی برای دلیری و تسخیرناپذیری است، کمان، مطلوب مردانگی نزد هندیان و چین باستان بوده است (هال، ۱۳۸۰: ۱۷۶-۱۷۷).

دکتر شهبازی در مورد کمان آورده است که در جنگ‌افزار هخامنشی کمان حدود یک متر بوده و با آن در حال تاخت و یا ایستاده تیر می‌انداختند و می‌توانستند تا حدود ۱۰۸ متری دشمن را از پای درآورند (شهبازی، ۱۳۵۰: ۱۱۵). این در حالی است که بیشتر پژوهشگران از جمله کلمان هورا (هورا، ۱۳۶۳: ۴۴)، ریچارد فرای (فرای، ۱۳۴۴: ۱۷۷)، سرپرسی سایکس (سایکس، ۱۳۲۳: ۲۲۹) و ابراهیم پورداود (پورداود، ۱۳۴۵: ۲۴) در رابطه با کمان هخامنشی آن را بلند و بزرگ توصیف کرده و ذکر از اندازه دقیق کمان نیاورده‌اند. استفاده از کمان ساده (تقریباً مشابه کمان فرترکه) نخست در دوره داریوش اول نمود یافت و بعد از ایشان این ابزار نظامی و نماد قدرت در نقش برجسته منسوب به اردشیر اول نقر شده است (مرتضوی، ۱۳۷۵: ۴۰-۴۲)

استفاده از کمان به عنوان عنصر نظامی، شاه با بُعد سیاسی و فروهر و آتشدان در بُعد مذهبی، بیانگر مشروعیت و قدرت شاهان هخامنشی و به طبع آن نوادگان آنان در فارس قلمداد می‌شود.

در اندیشه ایرانی نمود پیدا کرد، به طوری که این گل در دست شاه مقتدر و نمادی بر صلح و شادی قلمداد شد. اما برخی از پژوهشگران، از جمله سودآور، این نماد را در ارتباط با گل آفتاب‌گردان در دوره هخامنشی علامت فره ایزدی تعبیر می‌کنند (سودآور، ۱۳۸۳: ۱۱۱-۱۱۲).

نقش شاه و نیایشگر (لوح ۲)

از مهم‌ترین ویژگی تصویرنگاری شاه در سکه‌های فرترکه، نمود یافتن کلاه مخصوصی است که شاهان فرترکه بر سر دارند. این کلاه در سکه‌های نوع نخست بغدات، کلاه شاهی نوک‌تیزی است که نمونه آن در تابوت شهر صیدون^۱ نقر شده است (Gall, 1972: 278). در پشت سکه تغییرات چشم‌گیری به وجود آمده است، به طوری که کلاه استفاده شده به صورت کلاه جلو زده‌ای است که بعداً معرف همه حاکمان فرترکه شد. در سکه‌های فرترکه، شاه را در روی سکه نشان می‌داد با کلاه جلوزده، یعنی همان سرپوش از جنس نمد و از پیشانی بیرون زده، با حفاظ گردن و گونه که تمام قسمت پایین صورت را می‌پوشاند و نوعی به اصطلاح دهان پنام (paitidana) نامیده می‌شد، تا نفس آدمی آتش مقدس را نیالاید. لبه‌های این کلاه مخصوص، چانه را نیز می‌پوشاند اما دهان آزاد می‌ماند و تنها در هنگام مراسم مذهبی اندکی بالا کشیده می‌شود که در عین حال همه قسمت‌های این کلاه به صورت یکپارچه است.

این ویژگی در تجسم فرد نیایشگر، در پشت سکه‌های فرترکه قابل تأیید است، به طوری که فرد مذکور را خود پادشاه فرترکه در تجسم روحانی بزرگ به تصویر می‌کشد. ناگفته پیداست که شیوه ایستادن مرد نیایشگر در پشت سکه‌ها و حتی هنر نمایش جامه‌ای که او برتن کرده است، آدمی را به یاد هنر پیکره تراشی فارس‌ها در کاخ‌های تخت جمشید می‌اندازد (لوح ۲-ی؛ سکه اردشیر اول، موزه بانک سپه).

پشت سکه‌های فرترکه، مردی (شاه) را نشان می‌دهد

۱. برای اطلاعات بیشتر پیرامون تابوت شهر صیدون به مقاله زیر مراجعه شود: "تأثیر فرهنگ و تمدن ایرانی بر کرانه‌های سرزمین لبنان" نوشته موریس شهاب (مجله بررسی‌های تاریخی، ۱۳۵۱: ش ۳۹، ۱۵-۲۲)

تخت جمشید تغییر می‌کند (200: Shahbazi, 1977). جای شکی نیست که آرامگاه‌ها و مکان‌های مقدس در مشروعیت بخشیدن به فرترکه حائز اهمیت است، به طوری که این شاهان، آگاهانه بر آن بودند تا خود را به شاهان هخامنشی مرتبط سازند (Alram, 1986: 162).

نقش مرد بالدار (لوح ۵)

این نقش نخست در مصر پدید آمد که متحد کننده سرزمین‌های واحه رود نیل و نشانگر خدای هوروس بود که بعدها در شمال بین‌النهرین نشانگر خدای آشور شد (چراغ‌زاده، ۱۳۸۹: ۶۰). در نتیجه غلبه ایرانیان بر بابل، این نماد وارد فرهنگ ایرانی شد و فروهر یا مرد بالدار نماد اهورامزدا گردید و آن را جایگزین تجسم پیشین او، یعنی آتش معابد، قرار دادند. به طوری که این نماد به طور گسترده در بناها به کار رفت (هال، ۱۳۸۰: ۷۴).

در آیین زرتشت، اوستا این نماد را روح مقدس و حامی جهان تعبیر می‌کند که در همه‌جا حضور دارد و مظهر قدرت معنوی و حامی شاهان ایرانی است و در بالای سر شاه جای دارد هنگامی که او بر تخت می‌نشیند یا تاج‌گذاری می‌کند (دهقان، ۱۳۹۰: ۱۵۸-۱۶۰). فروهر واژه‌ای اوستایی و به معنی پیش‌افزاینده در زبان پهلوی است و یشت سیزدهم آن را پنجمین نیروی باطنی آدمی می‌داند، از طرفی فروهر را ایزد نگهبان نیکان و راست‌روان دانسته‌اند (گشتاسب پوریارسی، ۱۳۵۰: ۴). فروهر نیروی مقدس درونی بود که در تجسم مردی نورانی با دو بال و حلقه‌ای در وسط نمایان شد و سمبل ملی ایرانیان باستان گردید (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۳۷۶-۳۷۷).

این درحالی است که اکثر پژوهشگران ایران باستان فروهر یا مردبالدار را نماد اهورامزدا می‌دانند (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۲۶۰؛ روعاف، ۱۳۷۴: ۴۳؛ هینلز، ۱۳۸۵: ۱۳۲؛ پوپ، ۱۳۸۷: ۵۰؛ هال، ۱۳۸۰: ۷۴). اما عده‌ای از پژوهشگران این نماد را فراتر از اهورامزدا و یا در عدم با این نماد معرفی می‌کنند (گیمن، ۱۳۷۵: ۲۱۱-۲۱۲؛ ذکاء، ۱۳۷۷: ۴۹-۵۰؛ رضی، ۱۳۸۲: ۷۸)

این نقش در سکه‌های وادفردات اول، برای نخستین-

برای نخستین بار نقش کمان در پشت سکه‌های وادفردات اول نقر شد (لوح ۳- الف؛ موزه بانک سپه) با تصویر شاه در این سکه‌ها که دست راست خود را به سوی سازه مقدس بلند کرده است و در دست چپ کمانی به دست دارد؛ این کمان حالت مقوس دوگانه‌ای دارد و یک سر کمان با زمین تلاقی می‌کند، مشابه این کمان در نقش برجسته گوردخمه قیزقاپان در کردستان عراق نمود دارد. گیرشمن و گال کمان موجود در گور قیزقاپان را معرف فرمانروای دنیوی تعبیر کرده‌اند (Gall, 1974: 142).

سازه مقدس (لوح ۴)

در پشت سکه‌های فرترکه، شاه ایستاده در مقابل سازه‌ای مقدس و در حال نیایش است که روی این سازه سه شیء نمود دارد (لوح ۴- ج؛ سکه وهبورز، موزه تماشگاه پول). ناستر این سازه را این‌گونه توصیف می‌کند: در قسمت جلو، دربی دولنگه میان دو تیر چوبی عمودی قوی نموده شده و هر لنگه درب به چهار قاب تقسیم شده است، در قسمت فوقانی ردیفی از دندانه‌های مدوری مشاهده می‌شود که به نظر می‌آید سر فرسپ‌ها هستند. روی سطح خارجی مسطح، سه طرح شیئی مربع شکل با قسمت قدامی تاچه‌مانند و خط فوقانی اندکی پهن‌تر و ضخیم‌تر هست که روی هر یک از آنها دو شاخ کج‌رو به بیرون قرار دارد (Naster, 1970: 126-127) و درفش یا پرچم در پشت این سازه نقر شده است. برفراز سازه مقدس سه آتش با شعله‌های بلند فروزان‌اند، شاید این سه آتش مظهر سه آتش طبقاتی ایرانیان (پیشوایان، جنگاوران، پیشه‌وران) باشد.

بیشتر پژوهشگران این سازه مقدس را کعبه زرتشت یا نمونه مشابه آن می‌دانند. در مورد سازه کعبه زرتشت نظریات مختلفی مطرح است (Schipmann, 1971: 185-199) از جمله اردمان این سازه را با نمونه‌های نقش شده در سکه‌های فرترکه یکی می‌داند (Erdmann, 1941: 32). اما استروناخ این سازه در سکه‌های فرترکه را به منزله نمونه پسا‌هخامنشی آتشگاه‌های هخامنشیان توضیح می‌دهد (Stronach, 1966: 220-221) این در حالی است که دکتر شهبازی این سازه را آتشگاه صفه

بار ظاهر شد (لوح ۵-ج؛ موزه بانک سپه) که یکی از دلایل مهم در استقلال کامل فارس در دوره فرمانروایی او قلمداد می‌شود.

در مورد مردبالدار نظریاتی مطرح است که برخی پژوهشگران معتقدند این نقش، تجسم خاورانه یک شخصیت سلطنتی پیشرو است که همان اهورامزدا از عهد هخامنشی بوده و وادفردات با آن آشنایی کامل داشته است و عده‌ای دیگر آن را به منزله فرهمندی تعبیر کرده‌اند (Shahbazi, 1980: 119-147).

کالمی‌یر و شهبازی معتقدند که تاج مرد بالدار با کلاه شاه متفاوت است که شاید معرف فرنه^۱ یا سلف شاه باشد. از این رو مرد بالدار منقوش در سکه‌های فرتکه با تاج هخامنشی می‌تواند ادعای فرمانروای جدید را بر جانشینی قانونی شه‌پریان هخامنشی در فارس نمادگرایی کند، چرا که تاج مرد بالدار از نوع تاج کنگره‌دار هخامنشی است در حالی که خود شاه کلاه مخصوص بر سر دارد. تصویر پشت سکه‌های وادفردات اول باز نمودی است از نقش برجسته داریوش اول در نقش رستم که در آنجا تثلیث شاه در حال نیایش را نمایش می‌دهد که کمان در دست دارد: محراب، آتش و مرد بالدار.

نقش پرچم یا درفش (لوح ۶)

حال پرچم را نماد و نشانه پیروزی می‌داند (هال، ۱۳۸۰: ۱۱۷) درفش یا پرچم، پرده یا صفحه‌ای است که بر نیزه‌ای نهاده شده و چلیپایی از دو گوشه روبه‌رو پرده، درفش را به چهار بخش تقسیم کرده که در هر بخش دایره‌ای نقش گردیده است. از بخش زیرین درفش چهاربند از دو سوی چوب درفش دوبه‌دو آویخته شده که هریک به گویی پایان می‌یابد. به گواهی نوشته‌های کهن و شاهنامه فردوسی، این چهار نوار به رنگ‌های، سرخ، زرد، بنفش و آبی بوده است (بختورتاش، ۱۳۸۴: ۱۲۵). این نقش در تمام سکه‌های فرتکه وجود دارد، به طوری که در پشت سکه‌ها این نماد قرار دارد که الگوی پرچم‌های هخامنشی است که به اختر یا ستاره یا منگوله‌هایی آراسته شده است (Nylander, 1983: 19-37).

با ظهور نخستین سکه‌های فارس، پرچم به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر، بر سکه‌های سلسله نخست فارس (فرتکه) و سلسله دوم نقش می‌بندد، اما آیا فرتکه این نقش را به صورت آگاهانه برای زنده کردن گذشته پرافتخار فارس نقر کرده بودند؟ برای پاسخ به این سوال لازم است ابتدا در مورد پرچم‌های مورد استفاده در دوره هخامنشی مطالبی ذکر شود: بیرق کوروش عبارت بود از هیکل عقابی زرین با بال‌هایی گشاده که بر نیزه بلندی نصب شده بود (بختورتاش، ۱۳۸۴: ۷۸). گزنفون در مورد بیرق اردشیر دوم در پیکار با کوروش کوچک می‌گوید: بیرق شاه عقابی است از طلا که بال‌های خود را گشوده و بر نوک نیزه‌ای قرار گرفته است (گزنفون، ۱۳۳۹: ۳۹). این روند تغییر بیرق تا جایی ادامه می‌یابد که بیرق نقر شده بر روی سکه‌های داریوش سوم (بختورتاش، ۱۳۸۴: ۹۰) شباهت بسیار زیادی با بیرق‌های فرتکه پیدا می‌کند. در دوره دوم سلسله شاهان فارس، در روی بیرق تصویر شاهین یا پرنده‌ای نمایان می‌شود که بازگشت و یادمان دوران پرافتخار فارس را در ذهن بیننده تداعی می‌کند. اما هنوز جوابی برای این سوال وجود ندارد که چرا بیرق فرتکه شباهت زیادی به بیرق داریوش سوم دارد؟ در حالی که در دوره دوم شاهان محلی فارس این شباهت در بیرق‌های مورد استفاده، بیشتر یادآور بیرق شاهان بزرگ نخستین هخامنشی است.

نگارنده بر این عقیده است که دوره دوم شاهان محلی فارس بیانگر خاندان جدیدی غیر از خاندان وادفردات اول هستند. چرا که در این دوره روند کلی در ضرب سکه‌ها تغییرات چشمگیری را به دنبال دارد و اینکه در دوره دوم شاهان محلی فارس هم از نظر تصویر نقر شده شاه و هم به لحاظ نمادها و سبک مورد استفاده چیزی جدای از روند سکه‌های فرتکه را دنبال می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

فرتکه شاهان محلی در فارس بودند که با آگاهی کامل از سنن و نمادهای سیاسی و مذهبی به کار رفته در فرمانروایی هخامنشی، آن را حفظ کرده و به صورت تکامل یافته‌تر به نسل بعد از خود یعنی ساسانیان منتقل کردند تا این نظام سیاسی - مذهبی در قالب هارمونی جدید، در نظام

۱. همان فره ایزدی.

شاه به صراحت قدرت خود را نه از مردم و نه از بیگانگان بلکه از اهورامزدا می‌داند چرا که به مانند سلاطین قدرتمند هخامنشی او نیز برگزیده خدایان است.

نگارنده بر این عقیده است که با استقلال فارس در سلطنت وهوبرز نمادها و نقوش جدیدی که یادآور قدرت مطلق شاهان هخامنشی است، در سکه‌ها ظاهر می‌شود و این ظهور نمادهای جدید میسر نمی‌شود مگر آنکه بیگانگان در قلمرو فارس فاقد قدرت باشند اما اینکه نقوش سکه‌های فرترکه با سلسله دوم فارس تفاوت محسوسی دارند، نگارنده ذهن خوانندگان را به این موضوع معطوف می‌دارد که تغییر نقش پرچم در سکه‌ها و نمادهای جدید مانند تاج، نقش حیوانات و ... در سکه‌های نسل دوم یادآور خاندان جدیدی در فارس است که خود را نه از نسل فرترکه بلکه در موازات با آنها و از نسل شاهان قدرتمند هخامنشی می‌دانند.



لوح ۱. شاه نشسته بر تخت با گل لوتوس در دست



لوح ۲. نقش نیایشگر

جهانداری ساسانی به دنیا عرضه شود. در این راستا می‌توان ادعا نمود که نمادهای سیاسی و مذهبی به کار رفته در سکه‌های فرترکه به سان هم معنی و مفهوم می‌یابد.

سکه‌های شاهان محلی فارس با سکه‌های بغدات در سال حدود ۲۲۰ ق.م آغاز می‌شود. سکه‌های او در دو نوع ضرب شده‌اند که نمادهای تخت شاهانه با گل لوتوس در دست شاه به مثابه نقش داریوش بزرگ در تخت جمشید، گویی شاه فارس (بغدات) می‌خواهد با این نقش قدرت خود را به بیگانگان یادآور شده و در پشت سکه نقش سازه مقدس، پرچم و نقش خود به عنوان نیایشگر خواهان آن است که بار دیگر مشروعیت خود را در میان مردم با اصالت خود به نمایش گذارد تا در نقش پرچم به عنوان پیرو ارتش قدرتمند شاهنشاهی هخامنشی و در نقش سازه مقدس و نیایشگر خود را پیرو دین نیاکان فارس معرفی نماید. این نقوش به وضوح در نقوش گوردخمه‌های قیزقاپان، دوکان داود و اسحاق‌وند نمود دارد به این طریق شاه، خود را به بیگانگان معرفی و مشروعیت خود را به بومیان یادآور می‌شود. بعد از بغدات، اردشیر حاکمیت فارس را عهده‌دار می‌شود که سکه‌های او مشابه سکه‌های نوع دوم بغدات می‌باشد و تاریخ حدود سال ۲۰۰ ق.م را در برمی‌گیرد. این دو پادشاه توانستند در فارس حکومت نیمه‌مستقلی را ایجاد کنند.

سومین پادشاه این دودمان که خود را فرترکه می‌خواند، وهوبرز است که بیشتر پژوهشگران معتقدند در دوره زمامداری او فارس به صورت کاملاً مستقل اداره می‌شود، جانشین او وادفردات اول بود که توانست روند استقلال فارس را حفظ نماید. سکه‌های این پادشاه دارای تاریخ ضرب در حدود سال ۱۵۰ ق.م است که با پایان فرمانروایی او استقلال فارس از بین رفته و این حکومت محلی تا روی کار آمدن اردشیر پنجم فارس (اردشیر اول ساسانی) به صورت نیمه مستقل اداره می‌شد. در سکه‌های وادفردات با نقوش جدیدی روبه‌رو هستیم که زاده تفکر بیگانه‌ستیز وهوبرز است. این نقوش شامل کمان و فروهر است. در نقش کمان، شاه فارس خود را طلایه‌دار قدرت فارس می‌داند که توانایی مقابله با دشمن خارجی را داشته و به مثابه شاهان هخامنشی نگهبان و نگه‌دارنده سرزمین مقدس اهورایی است. در نقش فروهر،

اول. ج- سکه نوع اول بغدادت (Hill, 1967, 195).

لوح ۲- نقش نیایشگر : الف- گوردخمه اسحاق‌وند. ب- گوردخمه دکان داود. ج- گوردخمه قیزقاپان (سرفراز، ۱۳۸۰، ۶۹). د- مهر دوره هخامنشی (امیری نژاد، ۱۳۹۱، ۱۶۴). ی- سکه اردشیر اول (موزه بانک سپه شماره ۱۰۸۷۶)



لوح ۳. کمان

لوح ۳- کمان : الف- سکه وادفردات اول (موزه بانک سپه شماره ۱۰۸۷۷). ب- سرباز هخامنشی با کمان. ج- گوردخمه قیزقاپان
لوح ۴- سازه مقدس : الف، ب- سازه مقدس در امپراتوری هخامنشی. ج- سکه وهبوز (موزه تماشگه پول شماره ۰۰۰۷۶-۱-۵۴۲).



الف

ب

لوح ۵- مرد بالدار : الف- نقش برجسته از امپراتوری آشور (مجیدزاده، ۱۳۸۰، شماره شکل ۴۵۶). ب- نقش برجسته در تخت جمشید (امیری نژاد، ۱۳۹۱، ۱۶۶)

الف

ب

لوح ۶. پرچم : الف- سکه داریوش سوم با نقش پرچم. ب، ج- سکه بغدادت (همان و موزه بانک سپه ۱۰۸۷۳). د سکه اردشیر اول (موزه بانک سپه ۱۰۸۷۶) ی- سکه وهبوز (موزه تماشگه پول ۰۰۰۷۶-۱-۵۴۲). ل- سکه وادفردات اول (موزه بانک سپه ۱۰۸۷۵).

الف

ب

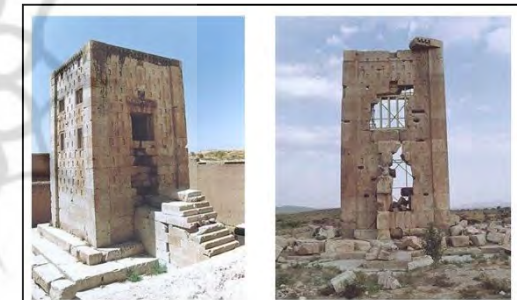
ج



ج

منابع

امام شوشتری، محمدعلی (بی تا). تاریخ مقیاسات و نقود در حکومت اسلامی. تهران: چاپخانه دانشسرای عالی.
امامی، رؤیا (۱۳۸۹). «سکه‌های دوره هخامنش». ماهنامه دانشمند، شماره ۲۴، ص ۱۴.
امینی، امین (۱۳۸۷). تاریخ و سکه در پایان امپراتوری ساسانی. یزد: ققنوس.
امیری نژاد، امیر (۱۳۹۱). پژوهشی بر سکه‌های فرتکره و الیمایی در دوره اشکانی. دانشگاه سیستان و بلوچستان. دانشکده ادبیات. گروه باستان‌شناسی.
اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۱). دانشنامه مزدیسنا. تهران: نشر مرکز.
اومستد، ا. ت (۱۳۷۲). تاریخ شاهنشاهی هخامنشی. ترجمه محمد مقدم. تهران: نشر امیرکبیر.
بختورتاش، نصرت‌الله (۱۳۸۴). تاریخ پرچم ایران از باستان تا امروز. تهران: بهجت.
پلوتارک (۱۳۶۹). حیات مردان نامی. جلد ۱. ترجمه رضا مشایخی. تهران: نشر علمی و فرهنگی.
پوپ، آرتور ایهام (۱۳۸۷). معماری ایران. ترجمه کرامت‌الله افسر. تهران: فرهنگسرا.
پورداد، ابراهیم (۱۳۳۱). پول. تهران: نشر هرمزدنامه.



الف

ب



ج

لوح ۵. مرد بالدار

لوح ۴. سازه مقدس



لوح ۶. پرچم

لوح ۱- شاه نشسته بر تخت با گل لوتوس در دست : الف- نقش برجسته خورس آباد (مجیدزاده، ۱۳۸۰). ب- داریوش

ایرانی. تهران: سازمان فروهر.
گیمین، دوشن (۱۳۷۵). *دین ایران باستان*. ترجمه رؤیا منجم.
تهران: فکر روز.
لیک، گوندولین (۱۳۸۹). *فرهنگ اساطیر شرق باستان*. ترجمه
رقیه بهزادی. تهران: طهوری.
مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۰). *تاریخ و تمدن بین‌النهرین*. هنر و
معماری. تهران: مرکز نشر دانشگاهی
مترضوی، مهدی (۱۳۷۵). *سیر تحول سلاح در دوران تاریخی
ایران از ابتدای دوره هخامنشی تا پایان دوره ساسانی*،
دانشگاه تربیت مدرس. دانشکده علوم انسانی.
ملک زاده بیانی. ملکه (۱۳۸۱). *تاریخ سکه از قدیمی‌ترین ازمینه
تا دوره ساسانیان*. تهران: دانشگاه تهران.
میت‌فورد، میراندا بروس (۱۳۸۸). *فرهنگ مصور نمادها و
نشانه‌ها در جهان*. ترجمه ابوالقاسم دادور. زهرا تاران.
تهران: کلهر.
هال، جیمز (۱۳۸۰). *فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و
غرب*. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.
هرتسفلد، ارنست امیل (۱۳۸۱). *ایران در شرق باستان*. ترجمه
همایون صنعتی‌زاده. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و
مطالعات فرهنگی.
هوار، کلمان (۱۳۶۳). *ایران و تمدن ایرانی*. ترجمه حسن انوشه.
تهران: امیرکبیر.
هینلز، جان راسل (۱۳۸۵). *شناخت اساطیر ایران*. ترجمه باجلان
فرخی. تهران: اساطیر.
ویسهوفر، ژوزف (۱۳۸۸). *تاریخ پارس از اسکندر مقدونی تا
مهرداد اشکانی*. ترجمه هوشنگ صادقی. تهران: فرزانه روز.
ویلکن، اولریش و یوجین برزا (۱۳۷۶). *اسکندر مقدونی*. ترجمه
حسن افشار. تهران: نشر مرکز.
ویو، ژ (۱۳۷۵). *فرهنگ اساطیر مصر*. ترجمه ابوالقاسم
اسماعیل‌پور. تهران: فکر روز.
موزه بانک سپه.
موزه تماشاگه پول.

----- (۱۳۴۵). «زین ابزار». *مجله بررسی‌های
تاریخی*. سال ۱. شماره ۱-۶.
----- (۱۳۵۶). *یشت‌ها*. تهران: نشر دانشگاه
تهران.
چراغ‌زاده، سولماز (۱۳۸۹). *سیر تحولی آرامگاه‌های هخامنشی و
تأثیر آن بر دوران‌های بعد*. شیراز: نشر تخت جمشید و
قشقای.
دهقان، اباذر (۱۳۹۰). *مطالعه نمادهای مذهبی در معماری
تخت جمشید*. دانشگاه سیستان و بلوچستان. دانشکده
ادبیات و علوم انسانی.
ذکاء، یحیی (۱۳۷۷). «آیا هخامنشیان زرتشتی بودند؟». *مجله
بخارا*. شماره ۳. صص ۲۱-۵۰.
رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۹۱). «پیدایی و آغاز ضرب سکه در
ایران». *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*. شماره ۱۷۸. صص ۲-۹.
هاشم رضی (۱۳۸۲). *آیین مغان. آموزه‌ها و مراسم و باورهای
بنیادی*. تهران: سخن.
روعاف، ام (۱۳۷۴). *هنر هخامنشیان در هنرهای ایران*. ترجمه
پرویز مرزبان. تهران: فرزانه روز.
سایکس، سرپرسی (۱۳۲۳). *تاریخ ایران*. ترجمه سید محمدتقی
فخرداعی گیلانی. تهران: چاپخانه رنگین.
سرفراز، علی اکبر؛ آوزمانی، فریدون (۱۳۸۰). *سکه‌های ایران*.
تهران: سمت.
سودآور، ابوالعلا. (۱۳۸۳). *فره ایزدی در آیین پادشاهی ایران
باستان*. میرک.
شاپور شهبازی. ع (۱۳۵۰). *جهاننداری داریوش بزرگ*. شیراز:
دانشگاه پهلوی.
شمس اشراق، عبدالرزاق (۱۳۶۹). *نخستین سکه‌های
امپراطوری اسلام*. اصفهان: دفتر خدمات فرهنگی استاک.
فرای، ریچارد. ن (۱۳۴۴). *میراث باستانی ایران*. ترجمه مسعود
رجب‌نیا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
کامیار، عبدی (۱۳۹۱). «سکه ضرب ایران. سرزمین من». *ماهنامه
ایران‌شناسی*. شماره ۴۱. صص ۴۸-۵۹.
کخ، هایدماری (۱۳۸۵). *از زبان داریوش*. ترجمه پرویز رجبی.
تهران: کارنگ.
کندی ادی، سموئیل (۱۳۸۱). *آیین شهریاری در شرق*. ترجمه
فریدون بدره‌ای. تهران: علمی و فرهنگی.
گزنفون (۱۳۳۹). *بازگشت ده هزار یونانی*. جفری هاوس هولد.
ترجمه منوچهر امیری. تهران: امیرکبیر.
گشتاسب‌پوریارسی. مهربان (۱۳۵۰). *گنجینه‌های نام‌های*

- Aram, M (1986). *Iranisches Personennamenbuch: Nomina Propria Iranica in Nummis*. Wien: OeAW.
- Babelon, M. E (1893). *Catalogue des Monnaies Grecques de la Bibliothèque Nationale. Les Perses Achéménides. les Satrapes. et les Dynastes Tributaires de Leur Empire. Cypre & Phénicie*. Paris.
- de Morgan, J (1923). *Manuel de Numismatique Orientale de L'Antiquité et du Moyen Age*. Paris: P. Geuthner.
- Erdmann, K (1941). Das iranische Feuerheiligtum (I I. Sendschrift del' Deutschen Orient-Gesellschaft). Leipzig.
- Gardner, P (1908). *The Gold Coinage of Asia before Alexander the Great*. London.
- Gajab, R (1983). "Pars Pro Toto? Zur Frage Der Notwendigen Bandbreite Von Untersuchungen Mit Numismatischer Basis". *Litterae Numismaticae Vindobonenses 2*. Wien: Osterreichischen Akademie Der Wissenschaften.
- Hill, G. F (1922). *Catalogue of the Greek Coins of Arabia. Mesopotamia. and Persia*. London: British Museum.
- (1967). "The Coinage of the Ancient Persians". A Survey of Persian Art from Prehistoric Times to the Present. ed. A. U. Pope. vol. I. Tehran. London. New York. Tokyo.
- Hoover, O. D (2008). "Appendix 5: Overstruck Seleucid Coins". in: A. Houghton. C. Lorber and O. Hoover (eds.). *Seleucid Coins. A Comprehensive Catalogue Part 2: Seleucus IV through Antiochus XIII*. 2 vols.. New York and Lancaster. PA.. pp. 209-230.
- Koch, H (1988). "Herrscher in der Persis unter Seleukiden und Parthern". WO 19.
- Kraay, C. M., Thompson. M., and Markholm. O (1973). *An Inventory of Greek Coin Hoards*. New York. NY: American Numismatic Society. pp. 256-259.
- Mitchiner, M (1978). *Oriental Coins. the Ancient and Classical World*. London: Hawkins Publications.
- Naster, P (1970). "Fire-Altar or Fire-Tower on the Coins of Persis". OIP. 1. 125-129.
- Nimchuk, C. L (2002). "The Archers of Darius: Coinage or Tokens of Royal Esteem?". *Ars Orientalis XXXII*.
- Nylander, C (1983). "The Standard of the Great King - A Problem in the Alexander Mosaic". *OpRom*. 14.2. 19-37.
- Rezakhani, K (2010). "The Unknown and the Coinage of Hellenistic and Arsacid Persis". *International Journal of Iranian Studies (NIB) 15*.
- Sarkhosh Curtis, V (2010). "The Frataraka Coins of Persis: Bridging the Gap between Achaemenid and Sasanian Persia". in: J. Curtis and St. J. Simpson (eds.). *World of Achaemenid Persia*. London: I. B. Tauris. pp. 379-396.
- Scheidel, W (2008). "The Divergent Evolution of Coinage in Eastern and Western Eurasia". in: *The Monetary Systems of the Greeks and Romans*. ed. W. V. Harris. Oxford. pp. 267-268.
- Schippmann, K (1971). Die iranischen Feuerheiligtümer (Religionsgeschichtliche Versuche und Vorarbeiten. F). Berlin. New York.
- Schmitt, H.H (1964). Untersuchungen zur Geschichte Antiochos des Grossen und seiner Zeit. Wiesbaden.
- Sellwood, D (1983). "Numismatics. Minor States in Southern Iran". *The Cambridge History of Iran, Volume 3/1*, London: Cambridge University, Press.
- Shahbazi. A.Sh., (1977), "From Parsa to Taxe-jamsid", *AMI*, N.E 10, 197-207 (=Parsa), Shahbazi, A. Sh., "An Achaemenid Symbol, II. Farnah '(God Given) Fortune' Symbolised", *AMI*, N.E 13, 119-147, 1980.
- Stiehl, R (1959). Chronologie der Fratadiira". EAltheim. Geschichte der Hunnen. Bd. I. Berlin. 1. 375-379. 1969.
- Stronach, D (1966). "The Kuh-i Shahrak Fire Altar". *JNES*. 25 . 217-217 (=Fire Altar)
- Stronach, D.. Pasargadae. A Report on the Excavations Conducted by the British Institute of Persian Studies from 196 I to 1963. Oxford. 1978.
- vonGall, H (1972). "Persische und medische Stamrne". *AMI*. N.F. 5. 261-283.
- (1974). "Neue Beobachtungen zu den sog. medischen Felsgrabern". *Proceedings of the 2nd Annual Symposium on Archaeological Research in Iran* (29th October - rst November. 1973). ed.F. Bagherzadeh. Tehran. 139-154.
- Wiesehöfer, J (1994). *Die dunklen Jahrhunderte' der Persis: Untersuchungen zu Geschichte und Kultur von Färs in frühhellenistischer Zeit (330-140 v. Chr.)*. Zetemata 90. Munich.

